یادداشت

احراز اقامت و گزارش یک بی‌تدبیری کوچک

ادامه از صفحه اول

شاید گفته شود کل وقتی که سرپرستان خانوار در این چهار روز تأخیر در اعلام، صرف رفتن به دفاتر پیشخوان کردند، در مقایسه با عمری که از شهروندان پشت چراغ قرمز فقط یک چهارراه تلف می‌شود و خود نتیجه یک بی‌تدبیری دیگر در میدان حمل‌ونقل شهری است، عدد کوچکی است. شاید گفته شود کل پولی که شهروندان در این چهار روز به دفاتر پیشخوان دولت پرداخت کردند، در مقایسه با اقلام حیف‌ومیل‌شده در پرونده چای دبش، حتی یک «پول چایی» ناقابل هم به حساب نمی‌آید.

البته هر دو ادعا درست است، اما اینها از اهمیت پرونده بی‌تدبیری کم نمی‌کند. ناگفته پیداست که در مرحله بررسی موضوع و یافتن راه‌حل، دقت کافی صورت نگرفته است؛ وگرنه در همان قدم اول مسئولان محترم از شهروندان می‌خواستند کد مربوطه را ارسال کنند.

با این حال، پرسش مهم این است که چرا چنین بی‌توجهی‌هایی صورت می‌گیرد و در نتیجه هزینه‌ای هرچند اندک به شهروندان تحمیل می‌شود؟ آیا این یک خطای فردی است و مثلا یک مسئول یا یک واحد سازمانی در بررسی خود مرتکب اشتباه شده است یا باید آن را حاصل یک خطای فرایندی بدانیم؟ خطایی که نتیجه تعریف نادرست شیوه بررسی و اولویت‌بندی مشکلات، شیوه نادرست سازماندهی و آرایش تشکیلات و بی‌اعتنایی به آموزش کارکنان یا اصلاح شیوه ارتقای آنان است.

نکته شایان تأمل این است که در وضعیت موجود ساماندهی نهادهای دولتی و عمومی، هرچند این نهادها از مجموعه عظیمی از نیروی انسانی خدوم و وظیفه‌شناس برخوردار هستند، اما درست مثل یک تیم فوتبال که به دلیل چینش نادرست بازیکنان در میدان شکست می‌خورد، این نهادها هم از درک درست صورت‌مسئله عاجز می‌مانند. وقتی با مأموریت گردآوری درآمد مالیاتی روبه‌رو می‌شوند، بدون اعتنا به آثار رویه‌های مالیاتی، فقط به مطلق دریافتی واریزشده به خزانه می‌اندیشند و وقتی به ضرورت تکمیل اطلاعات شهروندان و قطع یارانه افراد مقیم خارج از کشور توجه می‌کنند، مبحثی که اصلا در ذهن آنان محلی از اعراب پیدا نمی‌کند، حقوق شهروندان و محترم‌شمردن دارایی‌های آنان ازجمله وقت و پولشان است.

به‌راستی آیا مسئولان بالاتر به تحلیل و ریشه‌یابی این بی‌تدبیری کوچک و اصلاح فرایندی که منجر به بروز این خطا شده، خواهند اندیشید؟ آیا گزارشی از بررسی و تصمیم اصلاحی خود به شهروندانی که ولی‌نعمت حاکمان هستند، خواهند داد؟ یا باز هم با این تلقی که مردم حقی ندارند، از کنار این بی‌تدبیری کوچک مثل هزاران مورد دیگر خواهند گذشت؟

از چت‌بات تا عامل هوشمند

ادامه از صفحه اول

اما از نظر من، مهم‌ترین موضوع خود فناوری نیست، بلکه نحوه حکمرانی بر آن است. هرچه اختیار عامل هوشمند برای تصمیم‌گیری و اجرای عملیات بیشتر شود، مسئولیت بانک در قبال امنیت سایبری، حریم داده، رعایت مقررات، توضیح‌پذیری تصمیمات و کنترل انسانی نیز افزایش می‌یابد. بنابراین رویکرد ما نباید «هوشمندسازی همه‌چیز» باشد. باید ابتدا فرایندهایی را شناسایی کنیم که حجم بالا، ماهیت تکراری، قواعد مشخص و خروجی قابل اندازه‌گیری دارند و سپس به‌صورت مرحله‌ای از «دستیار هوشمند» به «تصمیم‌یار» و در فرایندهای کم‌ریسک به «عامل خودکار» حرکت کنیم. در نهایت، سؤال اصلی برای مدیران بانکی این نیست که آیا باید از عامل‌های هوشمند استفاده کنیم یا نه؛ سؤال این است که کدام فرایندهای بانک ما بیشترین ظرفیت را برای عامل‌محورشدن دارند و چگونه می‌توانیم این تحول را بدون افزایش ریسک، با بیشترین ارزش‌آفرینی برای مشتری و بانک اجرا کنیم؟

سیاه‌نمایی از ایران

ادامه از صفحه اول

البته باید با آن دسته از مفسران و فعالان رسانه‌ای در داخل و خارج که با سخنان زهرآگین خود از متجاوزان دعوت به حمله به ایران کرده‌اند، فاصله روشنی داشت. در دو جنگ اخیر، پرشمار متفکران و دانشگاهیان و هنرمندان را دیدیم که در صف ملت قرار گرفتند. اما چنین متن تفسیربردار و چنین مجازات کش‌داری با هیچ منطق حقوقی، سیاسی، اجتماعی جور درنمی‌آید.

طبق تبصره -۳ ماده ۲۷، «تولید اثر هنری بدون مجوز از نهادهای قانونی کشور، موجب شش ماه تا پنج سال محرومیت از فعالیت هنری و دو تا چهار برابر هزینه‌های تولید اثر خواهد بود». البته این بدان معنا نیست که مثلا «اگر شما در منزل یک نقاشی بکشید، بایستی قبلا از نهادهای قانونی کشور مجوز بگیرید»، اما نوع نگارش آنچنان غیرحرفه‌ای است که امکان سوءاستفاده و توسعه مفهوم جرم را فراهم می‌کند. به همین سان است عبارت بسیار موسع «تحت حمایت یا اشراف یا هدایت یا آموزش یا راهبری کارگزار بیگانه» که می‌توان هر چیزی را ذیل آن تفسیر مجرمانه کرد. آنچنان این دامنه گسترده است که توبه‌کردن بر جرم ناکرده نیز جرم باشد؛ مصحف حکم و حکومت، آیه رحمت ندارد؟

اجرای چنین طرحی و محدودیت‌های رسانه‌های مستقل اینترنتی همچون «آزاد» طبقه واسط نخبگان فکری را کلا از میان برمی‌دارد و پیکار سیاسی را به غریزه‌های کور لایه‌های زرد اجتماع می‌برد و توده را به همان‌جا می‌کشاند که در فجایع تلخ دی‌ماه ۱۴۰۴ دیدیم. آن‌گاه که هنرمندان و روشنفکران شرافتمند را به بهانه‌های واهی از میدان به در کنید، راه برای همان‌هایی باز می‌شود که با تولید فیلم‌ها و آثار هنری زرد و سیاه‌نمایی چهره ایران در جشنواره‌های بین‌المللی جایزه می‌گیرند. طبقه‌ای از روشنفکران زرد و سلبریتی‌های کم‌دانش با خودنمایی به قهرمانان پوشالی جوانان ساده‌دل تبدیل می‌شوند. نهایت کار روشن است؛ دشمنان فتنه‌ای از «سرکشی» و «سلاح» برمی‌سازند و باز هم چهره‌ای غیرانسانی از ایران و جمهوری اسلامی رقم می‌زنید و در برابر افکار عمومی جهانیان توجیه‌گر جنگ‌افروزی‌های دشمنان می‌شوید. همین.

گزارش «شرق» از ماجرای ربایش‌های سریالی در سیستان‌وبلوچستان؛ از مهرشاد ۲۳ ساله تا ولی‌داد ۶۷ساله

رد آدم‌ربایی در زاهدان

مریم لطفی: ساعت حدود ۹:۳۰ شب ۳۰ تیر، بازار زاهدان همچنان شلوغ و پررفت‌وآمد بود. «مهرشاد دادکریمی»، جوان ۲۳ساله‌ای که در بازار زاهدان مغازه لباس کودک دارد، به پدرش تلفن زد و گفت کارش در بازار تمام شده و می‌خواهد بعد از بازی بیلیارد با یکی از دوستانش، راهی خانه شود. با خودروی شخصی‌اش به خیابان شریعتی رفته بود و منتظر دوستش بود. اما آن شب دیگر به خانه نرسید. نقل محافل هفته‌های اخیر در زاهدان، روایت‌هایی از آدم‌ربایی است؛ روایت‌هایی که بخش قابل توجهی از آنها صرفا در گفت‌وگوهای خانوادگی، شبکه‌های اجتماعی و میان شهروندان دست‌به‌دست می‌شود، نه در اخبار رسمی. خانواده‌ها به هر طریقی، با انتشار عکس، ویدئو و روایت‌های محلی از ربوده‌شدن نزدیکانشان خبر داده‌اند و در مواردی نیز پس از گذشت روزها و هفته‌ها و حتی ماه‌ها، همچنان اطلاعی از عزیزشان در دست نیست. اوایل بیشتر کودکان در معرض آدم‌ربایی قرار داشتند اما چندی است که نوبت به جوانان و حتی مردان کهنسال نیز رسیده است.

۳۲ روز بی‌خبری

مهرشاد کریمی، یکی از کسانی است که یک ماه پیش ربوده شد و تاکنون هیچ خبری از او نیست. محمود دادکریمی، عموی مهرشاد، در گفت‌وگو با «شرق»، توضیح می‌دهد شب ۳۰ تیرماه که برادرزاده‌اش با خودروی شخصی در خیابان شریعتی توقف کرده بود، هدف افراد مسلح قرار گرفت. چهار نفر با یک خودروی پژو که به گفته او پلاک نداشت، او را از داخل خودروی روشن پیاده کردند و با خود بردند؛ اتفاقی که به گفته عموی او، در محله‌ای شلوغ رخ داده است؛ جایی که افراد زیادی شاهد ماجرا بوده‌اند و این روایت حاضران برای خانواده مهرشاد است. از آن شب تا زمان گفت‌وگوی «شرق» با عموی مهرشاد، ۳۲ روز گذشته و خانواده همچنان از سرنوشت او بی‌خبر است. آنچه بعد از ربوده‌شدن مهرشاد برای خانواده‌اش اتفاق افتاد، عجیب بود؛ یک دنیا بی‌خبری. دادکریمی می‌گوید بعد از ربودن مهرشاد، یکی از دوستانش با کلانتری هماهنگ می‌کند و ماشین را از آن محل، به کلانتری می‌برند. یکی دو روز بعد هم ماشین را از پارکینگ، به خانواده تحویل می‌دهند.

نه تماس، نه درخواست پول

یکی از پرسش‌های اصلی خانواده این است که انگیزه ربوده‌شدن مهرشاد چه بوده است. در این مدت، نه تماس تلفنی از سوی ربایندگان و نه درخواست پول یا انجام کاری برای آزادی او مطرح شده است. این موضوع برای خانواده، ابهام ماجرا را بیشتر کرده است. اگر هدف آدم‌ربایی اخاذی بوده، چرا در طول این مدت هیچ درخواست مالی مطرح نشده است؟ عموی مهرشاد می‌گوید خانواده هنوز دلیل این اتفاق را نمی‌داند: «تا جایی که ما مهرشاد را می‌شناسیم و با مردم سر و کار داشته‌ایم، بعید می‌دانم دشمنی یا مسئله خاصی وجود داشته باشد». درباره انگیزه این آدم‌ربایی، یکی از احتمالاتی که در ذهن خانواده مطرح است، اخاذی است. با این حال، در ۳۲ روزی که از ناپدیدشدن مهرشاد گذشته، هیچ تماسی با خانواده گرفته نشده و هیچ درخواستی برای پرداخت پول یا انجام کاری برای آزادی او مطرح نشده است. همین موضوع، ابهام درباره انگیزه ربوده‌شدن او را بیشتر کرده است. در این‌باره، دادکریمی به موارد دیگری اشاره می‌کند که خانواده‌ها چند ماه پس از ربایش فرزندانشان، با درخواست پول از سوی ربایندگان مواجه شده‌اند. او می‌گوید: «موردی می‌شناختیم که ربایندگان بعد از سه یا چهار ماه تماس گرفتند و درخواست پول کردند. درباره مبلغ دقیقش نمی‌دانم، ولی ظاهرا پول خیلی زیادی بوده؛ حدود ۲۰ میلیارد تومان یا یک کیلوگرم طلا». به گفته او، در برخی از این موارد، افراد ربوده‌شده ماه‌ها در اسارت مانده‌اند؛ الگویی که باعث شده خانواده مهرشاد نیز احتمال اخاذی را یکی از سناریوهای ممکن و قوی بداند، هرچند تاکنون هیچ نشانه‌ای از چنین درخواستی دریافت نکرده‌اند. دادکریمی در ادامه از موارد دیگری حرف می‌زند که به گفته خودش هم‌زمان با ربوده‌شدن مهرشاد یا در هفته‌ها و ماه‌های اخیر درباره آنها شنیده است: «وقتی به کلانتری رفتیم، متوجه شدیم همان شب سه نفر دیگر را هم ربوده‌اند. برای آن شب چهار مورد ربایش گزارش شده بود». او می‌گوید آنچه در گفت‌وگو با شهروندان درباره شمار این موارد شنیده، فراتر از مواردی است که در اخبار رسمی بازتاب یافته است. با این حال، «شرق» به دلیل دسترسی‌نداشتن به آمار رسمی و امکان‌ناپذیری راستی‌آزمایی مستقل این روایت‌ها، از ذکر اعداد مطرح‌شده در این گفت‌وگو خودداری می‌کند.

همه را به مواد مخدر ربط می‌دهند

یکی دیگر از موضوعاتی که خانواده مهرشاد با آن روبه‌روست، احتمال ارتباط آدم‌ربایی‌ها با پرونده‌های مواد مخدر است. دادکریمی می‌گوید در زاهدان، وقتی درباره چنین اتفاق‌هایی صحبت می‌شود، معمولا این احتمال مطرح می‌شود که فرد ربوده‌شده در معاملات مواد مخدر یا اختلافات مالی مربوط به آن درگیر بوده است. او اما این احتمال را درباره مهرشاد به‌شدت رد می‌کند. به گفته او، این موضوع را نه‌فقط از مردم، بلکه در اظهارات برخی مسئولان نیز شنیده‌اند. با این حال، دادکریمی درباره مهرشاد می‌گوید اطمینان زیادی دارد او ارتباطی با چنین مسائلی نداشته است: «من مهرشاد را خیلی خوب می‌شناسم. درباره مهرشاد، تا ۹۸ درصد مطمئنم که اصلا چنین مسئله‌ای وجود ندارد». برای خانواده‌ای که ۳۲ روز است از فرزندش خبری ندارد، حتی فرضیه اخاذی هم لزوما به معنای امکان حل مسئله نیست. عموی مهرشاد می‌گوید خانواده آنها توان پرداخت مبالغ سنگین چندین میلیارد تومانی را ندارند: «شما حساب کنید یک خانواده متوسط مثل ما، نمی‌گوییم ۲۰ میلیارد یا ۳۰ میلیارد، یک میلیارد را هم از کجا بیاوریم؟ همین مسئله، نگرانی خانواده را بیشتر کرده است». پرونده مهرشاد، به گفته عمویش، در اختیار مراجع انتظامی و قضائی قرار گرفته و موضوع از سوی آگاهی و کلانتری‌ها و دادگستری پیگیری شده است. با این حال، خانواده از نتیجه این پیگیری‌ها اطلاع روشنی ندارد. او معتقد است طبیعتا امکانات فنی برای شناسایی مسیر یا محل افراد ربوده‌شده وجود دارد، اما به نتیجه نمی‌رسد و همین موضوع باعث شده خانواده نسبت به سرعت پیگیری‌ها پرسش داشته باشد. این گفته البته برداشت و انتقاد شخصی عموی مهرشاد از روند پیگیری پرونده است و او نیز تأکید می‌کند از جزئیات اقدامات انتظامی و قضائی اطلاع کاملی ندارد.

خانواده‌ای که هنوز منتظر است

مهرشاد ۲۳ساله و مجرد است. برای خانواده، ۳۲ روز بی‌خبری فقط یک پرونده باز و یک جست‌وجوی بی‌نتیجه نیست. هر روزی که می‌گذرد، نگرانی از سرنوشت او بیشتر می‌شود. عموی مهرشاد درباره وضعیت خانواده می‌گوید: «اگر مادر یا خواهرش را ببینید، می‌فهمید چه حالی دارند. وقتی کسی می‌میرد، بالاخره می‌دانند دیگر برگشتی نیست و تکلیفش مشخص است، اما اینجا فقط انتظار و بی‌خبری است». دادکریمی می‌گوید در روزهای اخیر خبرهایی از دستگیری دو گروه آدم‌ربایی نیز شنیده‌اند. گروه‌هایی که به گفته او با هدف اخاذی فعالیت می‌کرده‌اند و افرادی را ربوده بودند. او از آزادی برخی گروگان‌ها در این پرونده‌ها خبر دارد، اما جزئیات دقیقی درباره تعداد افراد آزادشده یا وضعیت همه قربانیان در اختیار ندارد. موضوع آدم‌ربایی و گروگان‌گیری در زاهدان و دیگر نقاط سیستان‌وبلوچستان، در روزهای اخیر از سطح روایت‌های غیررسمی و اظهارات خانواده‌ها فراتر رفته و به ادبیات رسمی مسئولان نیز راه یافته است. با این حال، روایت مسئولان از چرایی این حوادث با آنچه برخی خانواده‌های افراد ربوده‌شده درباره پرونده نزدیکانشان می‌گویند، یکسان نیست. منصور بیجار، استاندار سیستان‌وبلوچستان، ۲۰ مرداد، گروگان‌گیری‌های اخیر را یکی از مسائل نگران‌کننده استان دانست و گفت بخش قابل توجهی از این موارد با بدهی‌های مالی مرتبط با مواد مخدر ارتباط دارد. به گفته او، نبود سازوکارهای مؤثر برای حل اختلاف نیز به تشدید این پدیده کمک کرده است. دو روز بعد، علی موحدی‌راد، مدیرکل دادگستری سیستان‌وبلوچستان نیز با انتقاد از آنچه «برخی تحلیل‌های ناقص» درباره جرائم استان خواند، روایت دقیق‌تری از نگاه دستگاه قضائی به انگیزه این حوادث ارائه کرد. او اعلام کرد بیش از ۹۰ درصد آدم‌ربایی‌ها و گروگان‌گیری‌ها در استان با موضوع تسویه‌حساب‌های مرتبط با مواد مخدر ارتباط دارد و حدود ۱۰ درصد آنها با انگیزه اخاذی انجام می‌شود این گفته‌ها، در حالی مطرح می‌شود که برخی خانواده‌های افراد ربوده‌شده، ارتباط نزدیکانشان با فعالیت‌های مرتبط با مواد مخدر را رد می‌کنند. «شرق» برای پیگیری این موارد و دریافت توضیح درباره انگیزه و روند رسیدگی به پرونده‌های اخیر آدم‌ربایی، با استاندار سیستان‌وبلوچستان، تماس گرفت. بیجار در پاسخ به پرسش‌های «شرق» درباره علت این آدم‌ربایی‌ها، با اشاره به ماهیت امنیتی موضوع، از ارائه توضیح مستقیم خودداری کرد و گفت درباره چنین موضوعاتی به‌راحتی نمی‌توان صحبت کرد. او وعده داد موضوع را برای پاسخ به «شرق» به معاونت امنیتی و انتظامی استانداری ارجاع می‌دهد. اما متأسفانه این ماجرا هم راه به جایی نبرد.

موارد مشابه

در کنار پرونده مهرشاد دادکریمی، در مدت اخیر موارد دیگری از آدم‌ربایی در زاهدان نیز رسانه‌ای شده است. چندی پیش خبر ربوده‌شدن امیرحارث براهویی، کودک ۱۱ساله اهل زاهدان اعلام شد. کودکی که شامگاه ۱۰ مرداد هنگام خروج از خانه برای خرید ربوده شد و ربایندگان یک روز بعد با خانواده او تماس گرفتند و برای آزادی‌اش ۱۰ میلیارد تومان درخواست کردند. امیرحارث پس از ۱۶ روز، شامگاه ۲۶ مرداد آزاد شد. با این حال، درباره چگونگی آزادی او و اینکه آیا مبلغ درخواستی پرداخت شده یا نه، اطلاعاتی منتشر نشده است. اول مرداد امسال هم غفور سهرابی (قلجایی)، شهروند بلوچ و ساکن زاهدان به دست افراد مسلح ناشناس ربوده شد و ربایندگان پس از یک ماه از طریق واتس‌اپ به خانواده او پیام داده و درخواست ۳۳ میلیارد تومان کرده‌اند. مدتی بعد در پیام دوباره‌ای ۲.۵ کیلو طلا خواسته‌اند و هنوز هم از وضعیت او اطلاع دقیقی در دست نیست. در پرونده‌ای دیگر، ولی‌داد شهنوازی (رحمت‌زهی)، مرد ۶۷ساله اهل زاهدان، همچنان در وضعیت نامعلومی به سر می‌برد. با گذشت بیش از ۲۰۰ روز از ربوده‌شدن او، خانواده‌اش هنوز از محل نگهداری و سرنوشتش اطلاعی ندارند. فرزند شهنوازی با انتشار ویدئویی از ربایندگان خواسته است دست‌کم درباره وضعیت پدرش اطلاع‌رسانی کنند. مورد عجیب دیگر مجید فلاح‌پور، روحانی اهل بزمان، از توابع شهرستان ایرانشهر بود که نزدیک به یک سال پیش ربوده شده بود. بعد از یک سال به‌تازگی ویدئویی از این فرد منتشر شده که از سلامتی خود خبر داده و از خانواده‌اش درخواست کرده که اقدامات لازم را برای آزادی‌اش انجام دهند. بازتاب این نگرانی از سطح خانواده‌ها و رسانه‌ها نیز فراتر رفته است. مولوی عبدالحمید، امام جمعه اهل سنت زاهدان، در خطبه‌های نماز جمعه ۱۶ مرداد، با محکومیت آنچه «موج رو به گسترش آدم‌ربایی و گروگان‌گیری» در سیستان‌وبلوچستان خواند، این اقدامات را «خیانت به مردم و امنیت جامعه» دانست و به گروگان‌گیران برای آزادی افراد ربوده‌شده یک هفته مهلت داد. او همچنین از مردم و خانواده‌ها خواست از آدم‌ربایان حمایت یا برای آنها وساطت نکنند و تأکید کرد اگر کسی از ارتکاب چنین جرائمی توسط بستگان خود مطلع است، باید مانع ادامه آن شود.

ناامنی فقط مختص یک گروه نیست

اما آنچه در پرونده‌های آدم‌ربایی اخیر اهمیت دارد، فقط تعداد موارد یا انگیزه پشت آنها نیست؛ تکرار روایت‌هایی از این دست، پرسش بزرگ‌تری را درباره تجربه روزمره شهروندان از امنیت در زاهدان و سیستان‌وبلوچستان پیش می‌کشد: آیا آنچه امروز به عنوان آدم‌ربایی و گروگان‌گیری مطرح می‌شود، بخشی از یک ناامنی گسترده‌تر است یا با پدیده‌ای متفاوت و تازه مواجهیم؟ یک فعال اجتماعی در زاهدان که مایل به انتشار نامش نیست، در گفت‌وگو با «شرق» می‌گوید تجربه ناامنی در این منطقه، پدیده تازه‌ای نیست و شکل‌های متفاوتی دارد؛ از ناامنی در مسیرهای جاده‌ای تا تهدید و خشونت در فضای شهری. البته تأکید هم می‌کند این موضوع صرفا مختص زاهدان یا سیستان‌وبلوچستان نیست. او البته تأکید می‌کند قرارگرفتن بلوچ‌ها در میان قربانیان اخیر، به‌خودی‌خود به معنای آن نیست که عاملان این ربایش‌ها از گروه یا قومیتی خاص هستند و نمی‌توان از این تغییر در ترکیب قربانیان، درباره هویت ربایندگان نتیجه‌گیری کرد. آنچه برای او قابل تأمل است، تغییر احتمالی در الگوی قربانیان نسبت به مواردی است که از سال‌های گذشته به یاد دارد. به‌ویژه در شرایطی که درباره هویت و انگیزه عاملان برخی از ربایش‌های اخیر اطلاعات روشنی در دست نیست. او البته تأکید می‌کند درباره انگیزه موارد اخیر اطلاعات قطعی ندارد. به گفته او، در گذشته نیز مواردی از ناپدیدشدن افراد در پی اختلافات خانوادگی، درگیری‌های فامیلی، مسائل مرتبط با مواد مخدر یا موضوعات منتسب به ناموس وجود داشته، اما این موارد را نمی‌توان لزوما با موج اخیر آدم‌ربایی‌ها یکسان دانست. از نگاه این فعال اجتماعی، آنچه امروز در سیستان‌وبلوچستان دیده می‌شود، نوعی ناامنی عمومی است که گروه‌های مختلف جامعه را تحت تأثیر قرار داده است. او این وضعیت را نوعی چرخه خشونت توصیف می‌کند؛ شرایطی که در آن، به تعبیر خودش، «هرکس یک زور و امکانی دارد که می‌خواهد دیگری را اذیت کند و کم نمی‌گذارد». او در توضیح شرایط موجود، به سال‌هایی برمی‌گردد که زاهدان شاهد درگیری‌های قومی بود. دوره‌ای که به گفته او، حتی پوشش افراد می‌توانست آنها را در معرض خشونت قرار دهد. از نگاه او، بخشی از مسئله امروز، بازتولید همان شکاف‌های قومی در قالبی تازه است. شکاف‌هایی که حالا فقط در خیابان دیده نمی‌شوند و به فضای مجازی نیز کشیده شده‌اند. او می‌گوید: «این داستان بحث قومی، به‌ویژه یک جنگ قومی در فضای مجازی بین زابلی و بلوچ، هنوز وجود دارد. یک افراط‌گرایی زیاد درباره اینکه این استان مال چه کسی است؟ شهر زاهدان مال چه کسی است؟». او در ادامه به بخش دیگری از مسئله اشاره می‌کند که به اعتقادش کمتر درباره آن صحبت می‌شود: مسئولیت خود جامعه در قبال خشونت. از نگاه او، گره اصلی زمانی ایجاد می‌شود که هر طرف، مسئولیت رفتار خودش را به گردن شرایط یا طرف مقابل بیندازد. او می‌گوید نقد عملکرد حاکمیت لزوما به معنای سلب مسئولیت از جامعه نیست و برعکس، پذیرفتن مسئولیت اجتماعی نیز نباید به معنای نادیده‌گرفتن نقش حاکمیت در شکل‌گیری شرایط موجود تلقی شود.

خبرخوان

آدرس گرانی دارو را اشتباه ندهید

ایسنا: عضو هیئت‌علمی دانشگاه علوم پزشکی تهران درباره برخی افزایش قیمت‌ها در حوزه دارو، تأکید کرد: «هر دستگاه باید به اندازه اختیاری که دارد پاسخ‌گو باشد؛ نه بیشتر و نه کمتر. آدرس‌دادن محل اجرای یک سیاست به‌جای محل تصمیم‌گیری درباره منابع آن نه‌تنها مسئله گرانی دارو را حل نمی‌کند، بلکه افکار عمومی را از پرسش اصلی درباره نحوه تأمین مالی دارو دور می‌کند». اکبر عبداللهی‌اصل، درباره گرانی‌های اخیر در حوزه دارو و اینکه چه کسی باید پاسخ‌گوی آن باشد، با انتقاد از خلط مسئولیت‌ها گفت: «سازمان غذا و دارو نه بودجه‌گذار است، نه خزانه‌دار و نه تصمیم‌گیر نهایی منابع بیمه‌ای؛ بنابراین نباید بار تصمیمات مالی و ارزی کشور بر دوش رگولاتور دارو گذاشته شود». او با اشاره به مباحث مطرح‌شده درباره تغییر نرخ ارز برخی مواد اولیه دارویی ادامه داد: «وزیر بهداشت به‌صراحت اعلام کرده است ارز حمایتی داروی مردم حذف نشده و شرایط فعلی برای حذف ارز ترجیحی دارو مناسب نیست. از سوی دیگر، نامه اخیر اداره کل امور دارو و مواد تحت کنترل نیز اگر دقیق خوانده شود، درباره تغییر ارز برخی مواد حدواسط و پیش‌سازهای مورد استفاده در تولید مواد اولیه دارویی است و نمی‌توان آن را به معنای حذف ارز حمایتی داروی مصرفی بیماران تعبیر کرد». عبداللهی‌اصل افزود: «البته تغییر نرخ ارز مواد حدواسط و پیش‌سازها موضوعی اقتصادی است که می‌تواند بر هزینه تولید برخی مواد اولیه اثر بگذارد و طبیعتا باید آثار آن با دقت بررسی شود؛ اما در تحلیل این موضوع نباید میان «تغییر سیاست ارزی در بخشی از زنجیره تولید» و «حذف ارز ترجیحی داروی مصرفی مردم» خلط کرد».

مرگ سالانه ۶۰ هزار نفر بر اثر آلودگی محیطی

ایرنا: معاون محیط زیست انسانی سازمان حفاظت محیط زیست با اشاره به پیامدهای آلودگی‌های محیطی و شرایط اقلیمی کشور گفت: «در ایران نیز بر اساس آمارهای موجود، سالانه حدود ۶۰ هزار نفر جان خود را در اثر آلودگی‌های محیطی، به‌ویژه آلودگی هوا از دست می‌دهند که این موضوع باید در برنامه‌ریزی‌های کشور مورد توجه جدی قرار گیرد». سعید محمودی ادامه داد: «سالانه حدود ۴۰ میلیارد تن کربن وارد جو زمین می‌شود و حدود یک‌چهارم مرگ‌ومیرهای زودرس در جهان با آلودگی‌های محیطی مرتبط است». محمودی با اشاره به شرایط اقلیمی ایران گفت: «کشور ما در منطقه‌ای خشک از جهان قرار گرفته و میزان بارش آن حدود یک‌چهارم میانگین جهانی است، از سوی دیگر، روند گرمایش در ایران نیز شدیدتر از میانگین جهانی بوده و این شرایط، برنامه‌ریزی برای آینده و توسعه صنایع را با پیچیدگی‌های بیشتری مواجه می‌کند».

دهه اول شهریور؛ زمان اعلام نتایج کنکور

مهر: رئیس سازمان سنجش زمان انتشار نتایج اولیه و نهایی آزمون کارشناسی ارشد سال ۱۴۰۵ را اعلام کرد و گفت: «نتایج اولیه آزمون کارشناسی ارشد سال ۱۴۰۵ در دهه اول شهریورماه اعلام می‌شود و پس از اعلام نتایج انتخاب رشته صورت می‌گیرد». رضا محمدی تأکید کرد فرصت انتخاب رشته یک هفته است: «پیش‌بینی می‌کنیم نتایج نهایی آزمون کارشناسی را در مهرماه ۱۴۰۵ و در زمان مقرر اعلام کنیم تا کلاس‌های کارشناسی ارشد در نیمسال اول سال تحصیلی تشکیل شوند».

شرکت ملی گاز ایران
شرکت گاز استان آذربایجان شرقی (سهامی خاص)

«آگهی تجدید فراخوان مناقصه»
شماره: ۲۹-۱۴۰۵ (نوبت دوم)

شناسه: ۲۲۵۱۱۷۳

شرکت گاز استان آذربایجان شرقی درنظردارد پروژه تامین کنتور و رگلاتور، قطعات و اتصالات نصب، تعویض و تثبیت کنتور و رگلاتور مشترکین جزء شهرستان های محور اهر را از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت به آدرس www.setadiran.ir برگزار، و به پیمانکار ذیصلاح واگذار نماید.
بدین منظورازکلیه شرکتها و پیمانکاران ذیصلاح دارای حداقل پایه ۵ نفت و گاز یا ۵ تاسیسات و تجهیزات از سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور و با توانایی تهیه تضمین شرکت درفرایند ارجاع کار طبق آیین نامه تضمین معاملات دولتی به مبلغ -/۱۴/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰ (چهارده میلیارد ریال) دعوت می نماید، حداکثر تا ۱۰ روز پس از انتشار نوبت دوم این آگهی، اعلام آمادگی خود را و فرمهای تکمیل شده ارزیابی، تصویر مدارک مذکور و مستندات مندرج در فرم ارزیابی را از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت ارسال نمایند.
ضمناً دراسناد مناقصه توزیعی، تاریخ تحویل پاکات وگشایش پیشنهادات قید گردیده است. مناقصه گران باید در سامانه تدارکات الکترونیکی دولت ثبت نام و گواهی امضای الکترونیکی را دریافت نمایند.
تلفن: ۳۴۴۹۶۲۷۴ و ۳۴۴۴۸۰۹۵-۰۴۱
دورنگار: ۳۴۴۴۷۰۸۹-۰۴۱
روابط عمومی شرکت گاز استان آذربایجان شرقی
۲۵۹۳

شرکت ملی پخش فرآورده های نفتی ایران
منطقه قزوین

آگهی فراخوان مناقصه (نوبت دوم)

شناسه: ۲۲۵۲۹۱۴

شرکت ملی پخش فرآورده های نفتی ایران منطقه قزوین در نظر دارد مناقصه مندرج در جدول زیر را برگزار نماید:

نوع مناقصه	مناقصه عمومی یک مرحله ای به شماره ثبت ۲۰۰۵۰۹۲۱۸۷۰۰۰۰۰۴ در سامانه تدارکات الکترونیک دولت
موضوع مناقصه	مناقصه عمومی تهیه مصالح و اجرای سیستم فوم دوزینگ مسقف،دیوار آتش،سند بلاست و رنگ آمیزی کامل مخزن شماره ۳ انبار نفت قزوین
مبلغ برآورد اولیه	۱۵۸،۸۱۲،۱۳۲،۹۵۱ ریال
مبلغ تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار	۷،۹۴۰،۶۰۶،۶۴۸ریال
نوع تضمین فرآیند ارجاع کار	مطابق بندهای الف، ب ماده ۴ آئین نامه تضمین در معاملات دولتی شماره ۱۲۳۴۰۲/ ت ۵۰۶۵۹ ه - مورخ ۱۳۹۴/۹/۲۲، درصورت واریز وجه نقد، به حساب ۲۱۷۲۵۸۸۰۰۶۰۰۸ (کد شبا IR۹۸۰۱۷۰۰۰۰۰۰۲۱۷۲۵۸۸۰۰۶۰۰۸) بانک ملی به نام شرکت ملی پخش فرآورده های نفتی منطقه قزوین؛ اصل فیش واریزی که بنام دریافت کننده اسناد مناقصه(مناقصه گر) است، تا مهلت قبول پیشنهاد ها، تحویل دبیر کمیسیون مناقصات گردد.
مهلت دریافت اسناد مناقصه	پس از انتشار نوبت اول آگهی تا ۰۲ / ۰۶ / ۱۴۰۵ در بستر سامانه تدارکات الکترونیک ایران
ساعت و تاریخ جلسه توضیح و تشریح اسناد	۰۹ / ۰۶ / ۱۴۰۵ - ساعت : ۰۹:۰۰
مهلت قبول پیشنهادها	لغایت تاریخ: ۱۸/ ۰۶/ ۱۴۰۵ درج در سامانه تدارکات الکترونیک دولت و ارائه فیزیکی پاکت الف تا ساعت۰۸:۳۰ همان روز
ساعت و تاریخ بازگشایی پیشنهادها	تاریخ : ۱۸/ ۰۶/ ۱۴۰۵ ساعت: ۰۹:۰۰ صبح
محل دریافت اسناد و قبول پیشنهادها	قزوین- کیلومتر ۳ جاده قدیم تهران- ساختمان ستادی شرکت ملی پخش فرآورده های نفتی منطقه قزوین- طبقه اول- دبیرخانه کمیسیون مناقصات- تلفن۰۲۸۳۳۵۵۴۳۳۴ داخلی ۲۰۰ - فاکس ۳۳۵۵۰۸۷۸-۰۲۸

توضیحات
• کمیت و کیفیت خدمات: به شرح شرایط مندرج در اسناد مناقصه
• شناسه ملی مناقصه گزار جهت درج در ضمانت نامه بانکی برابر ۱۴۰۰۷۴۷۸۲۳۴ (شرکت ملی پخش فراورده های نفتی ایران منطقه قزوین) می باشد .
• در صورتی که در هر مرحله ای مشخص گردد شرکت برنده مناقصه فاقد ظرفیت کاری باشد ، مطابق با دستورالعمل رسیدگی به تخلفات ناشی از عدم رعایت ضوابط ارجاع کار با آن شرکت رفتار می گردد.

تاریخ انتشارنوبت اول آگهی :۳۱/ ۰۵ / ۱۴۰۵ انتشارنوبت دوم آگهی ۰۱ / ۰۶/ ۱۴۰۵
روابط عمومی شرکت ملی پخش فرآورده های نفتی ایران-منطقه قزوین
۲۵۹۵